

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز شهرداری مشهد مدیرمسئول سید میثم موسوی مهر سردبیر سید سجاد طلوع هاشمی

شماره ۴۷۱۲ ۱۳ اسفند ۱۴۰۴ ۱۴ رمضان ۱۴۴۷

شماره پیاپی ۳۸۴۸۱۰۵

نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

SHAHRRARANEWS.IR

Mashhadchehreh.ir Photoshahr.ir

سایت شهرآرآر نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق نامه اخلاق حرفه ای

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر

۱۱:۴۳:۱۳

غروب آفتاب

۱۷:۲۸:۴۳

اذان مغرب

۱۷:۴۷:۰۱

نیمه شب شرعی

۲۳:۰۱:۱۷

اذان صبح فردا

۰۴:۳۳:۵۱

طلوع آفتاب فردا

۰۵:۵۷:۴۴

امام علی (ع):

از خداوند جایگاه شهیدان و زندگی با سعادتمندان و همراهی با پیامبران را طلب می کنم.

نهج البلاغه، خطبه ۲۳

چکامه

این بیرق و این مکتب و نهضت باقی ست

این بیرق و این مکتب و نهضت باقی ست این امت و این غیرت و عزت باقی ست
یک عمر تو بی تاب شهادت بودی رفتی تو ولی هنوز راهت باقی ست

یوسف رحیمی

عکس روز

دسته گل های نازنین خفتند

در نخستین ساعات حمله وحشیانه آمریکای جایتاکار و رژیم کودک کش صهیونی به خاک کشورمان، مدرسه ابتدایی دخترانه شجره طیبه میناب بمباران شد و ۱۶۵دانش آموز و معلم که در کلاس درس بودند به شهادت رسیدند. این تجاوز خبیثانه واکنش های گسترده ای در سراسر جهان داشت و توسط همه مردم آزادی خواه محکوم شد. دیروز روز وداع با پیکر پاک این کودکان بیگناه بود. خانواده هایشان دسته گل های پرپرشان را تشییع و در گلزار شهدای میناب به آغوش خاک سپردند.

عکس: ایسنا

گرم کردی

liam cunningham @liamcunningham1

The massacre of the girls elementary school pupils (ages 8 to12) in Iran, now stands at one hundred and eighty five. Any person attempting to justify this unprovoked obscenity is a psychopath.

لیام کانینگهام، بازیگر هالیوود:

توجیه کننده وقاحت آمریکا و اسرائیل روانی است

لیام کانینگهام یکی از بازیگران مطرح سینمای جهان که بین ایرانیان با نقش بادیگارد مادر ازدها در سریال «بازی تاج و تخت» مشهور است، با انتشار پستی در شبکه اجتماعی ایکس، تجاوز رژیم صهیونی و آمریکا را به خاک ایران محکوم کرد و درباره کودکان و دانش آموزان بیگناهی که به شهادت رسیدند نوشت:

کشتار دانش آموزان دختر دبستانی (۸ تا ۱۲ ساله) در ایران، اکنون به ۱۸۵ نفر رسیده است. هر کسی که تلاش کند این وقاحت بی دلیل را توجیه کند، یک روانی است.

اول شخص

آقای فرمانده

برای «امیر سپهبد شهید سید عبدالرحیم موسوی» رئیس فقید ستاد کل نیروهای مسلح که در پی تجاوز آمریکا و رژیم صهیونی به شهادت رسید

مریم شیعه|سپیده صبح هنوز در آسمان معلوم نیست. صدای زنجیرهای تانک، در فضای باز پادگان می پیچد. با فرمانی کوتاه، سپاه زرهی به حرکت درمی آید و او، با یونیفرم اتوکشیده و گام های حساب شده، از کنار خط عبور می کند. به جزئیات حرکت تانک ها و پیاده نظام خیره می شود. افسر زرهی زمان جنگ است. از همان روزها، این انضباط را با خود یدک می کشد و به دیگران گوشزد می کند. او در سال ۱۳۳۸ و در شهر قم به دنیا می آید. نوجوانی اش با روزه های پراشتهاپ انقلاب هم زمان می شود. سال ۱۳۵۸ و درست یک سال پس از پیروزی انقلاب، وارد دانشکده افسری نیروی زمینی ارتش می شود. هنوز دانشجویست که عراق به ایران حمله می کند. کلاس های تئوری جای خود را به میدان می دهد. او به عنوان افسر توپخانه وارد جبهه می شود، جایی که تانک ها و نفربرها ستون اصلی دفاع و حمله اند. جنگ برای او صرفا تجربه ای رزمی نیست. او در شرایط بی ثباتی، فرماندهی را مشق می کند. عملیات ها، عقب نشینی ها، پیشروی ها و تصمیم هایی که در لحظه گرفته می شوند، ذهن او را شکل می دهند. در یگان های مختلف نیروی زمینی خدمت و سال های دفاع مقدس را از نزدیک لمس می کند. این تجربه میدانی بعدها پایه نگاه او به یک آمادی همیشگی می شود. پس از پایان جنگ در سال ۱۳۶۷، مسیر حرفه ای اش وارد مرحله ای تازه می شود. دوره های عالی فرماندهی و ستاد را می گذراند و تحصیلات خود را در حوزه علوم دفاعی و مدیریت راهبردی تا مقطع دکترا ادامه می دهد. او از نسلی است که هم میدان را می بیند و هم دانشگاه نظامی را. همین ترکیب است که آرام آرام او را از یک فرمانده عملیاتی به مدیری در سطح کلان تبدیل می کند.

عنصر بازدارندگی کشور

او که سال ها در جایگاه ارشد نظامی ارتش در شرق کشور خدمت کرد، سال ها بعد، در مرداد ۱۳۹۶، با حکم رهبر معظم انقلاب، به عنوان فرمانده کل

ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب می شود. این انتصاب پس از آن صورت می گیرد که سرلشکر عطاء... صالحی پس از سال ها فرماندهی جای خود را به او می دهد. در زمان انتصاب، جانشین فرمانده کل ارتش بود و تجربه ای طولانی در ساختار فرماندهی داشت. از همان روز نخست، تأکیدش بر ارتقای آمادگی رزمی، انسجام میان نیروهای چهارگانه ارتش، زمینی، هوایی، دریایی و پدافند هوایی و حرکت به سوی ارتقای فناوری های دفاعی است. در نگاه او، ارتش فقط یک نیروی نظامی نیست، بخشی از نظم ملی و عنصر بازدارندگی کشور است. در سالن فرماندهی او، نقشه های عملیاتی روی نمایشگرها روشن اند. خطوط مرزی، پهنه های آبی جنوب، ارتفاعات غرب، همه با رنگ های متفاوت مشخص شده اند. رزمایش مشترک در حال اجراست و سناریویی را تمرین می کند که هر حرکت آن حساب شده است. کمتر

اهل هیجان رسانه ای است و بیشتر در چارچوب زبان رسمی نظامی سخن می گوید. از سال ۱۳۹۶، ارتش در دوره فرماندهی او رزمایش های متعددی برگزار می کند. رزمایش های دریایی در خلیج فارس و دریای عمان، تمرین های گسترده نیروی زمینی در مناطق غربی و جنوبی کشور و مانورهای پدافندی که بر مقابله با تهدیدات هوایی و پهپادی تمرکز دارند. او همچنین بر نقش ارتش در بحران های غیرنظامی تأکید دارد. در سیل های سال ۱۳۹۸ و دیگر حوادث طبیعی، یگان های ارتش در عملیات امداد رسانی حضور دارند. پیش از رسیدن به فرماندهی کل ارتش، سال ها در سمت جانشین فرمانده کل ارتش فعالیت می کند. جایگاهی که هماهنگی میان یگان ها و مدیریت عملیاتی را بر عهده دارد. همین تجربه باعث می شود هنگام انتصاب، ساختار ارتش برای او ناآشنا نباشد. او از درون

کوچه

امام شهید و برخاستن دوباره!

حضرت آیت... سید علی حسینی خامنه ای (قدس سره) را اگر به عنوان رهبر انقلاب فقط در قاب سیاست ببینیم، از خواندن متن کامل او بازمی مانیم. او یک «کلان رخداد فرهنگی» بود. رخدادی که در آن، نام به نشانه بدل شد و تن به تمثیل، چهار کلمه در شناسنامه، وقتی در میدان تاریخ می ایستند، می توانند به یک روایت جمعی تبدیل شوند. روایتی از «ایران» که کالبد است و «اسلام» که جان. او دارای کاریزمای جهانی بود. صدها میلیون جان جهان خود را با او تعریف می کردند. کاریزما صرفا جاذبه فردی نیست. توانایی خلق معناست در بزنگاه های بحران. خامنه ای بزرگ برای امت نه فقط یک رهبر سیاسی، که «راوی هویت» او. کوشید ایران را همچون متنی کهن

بازخوانی کند. متنی که در آن، دین و ملیت دو ساخت متقابل نیستند، بلکه دو لایه از یک حقیقت تاریخی اند. این خوانش، برای نسلی که میان سنت و مدرنیته سرگردان بود، نوعی امنیت معنایی فراهم می کرد. ایستادگی «بزرگ مرد ایران»، بر حق غنی سازی، در این چارچوب، صرفا یک موضع در پرونده ای فنی نبود. نماد مقاومت فرهنگی بود. مسئله فقط سانتریفیوژ نبود، مسئله تصویر ایران توانمند بود. ایرانی که می خواهد خود را نه در آینه قدرت های بزرگ، نه ذیل این بلوک قدرت یا آن بلوک، که در آینه تاریخ و تمدن خویش ببیند. این تصویرسازی، بخشی از کاریزمای رهبری آیت... را شکل داد. توان تبدیل یک مطالبه سیاسی به یک نشانه هویتی. در روایت شمایل «آقا»، باید از

«تن ایستاده» سخن بگویم، تنی که برای وطن ایستاد و وطن را به قامت یک آرمان بلند کرد. خامنه ای عزیز برای نام خود چیزی نخواست؛ حتی نام. در فرهنگ شیعی، نام وقتی بزرگ می شود که از خود عبور کند و برای خدا، در خدمت مردم قرار گیرد. حضرت سید علی در این روایت، مردی است که با خدای خویش عهد بست تا خلق خدا را به حشاشن برساند و همین عهد، کاریزمای او را از جنس ایمان ساخت، نه از جنس تبلیغ. کاریزما اما همیشه در میدان آزمون معنا می شود. فشارها، تهدیدها و دشمنی ها، برای ملت ما نه نشانه ضعف که گواه اهمیت رهبر انقلاب بود. هرچه ضربه بیشتر، تصویر استوارتر. این همان منطق فرهنگی «شهادت» است. منطقی

قاب طلا

میان نور و عطر و پاکیزگی

هرسال، همین وقت ها بود، قبل از آنکه دسته دسته بنفشه های ترد و نازک توی صحن ها کش و قوسی بیایند و رو به آفتاب کوتاه اسفند بچرخانند. قبل از آنکه فرش ها شسته شود، چلچراغ ها پاکیزه شود، مهرهای شکسته، تازه شود، قبل از تمام این ها، موعد غبارروبی مضجع شریف بود. غباری که سرمه چشم می شد و آن دستمال سفید خوشبخت، توی دست های باوضوی حضرت آقا، عاقبت به خیر بود. آن تنظیف، بخت بلندی داشت. تار و پودش انگار جور دیگری بافته شده بود. او یک بار از دستان گرم حضرت آقا بوسه می گرفت و بار دیگر بر سطوح متبرک مقبره سلطان توس سجده می کرد. تک به تک آن شبکه های پنجره ضریح شاهدند، تمام آن ثانیه هایی که زیر نور سبز و سفید داخل ضریح مطهر، با نوای مدح و دعا می گذشت، آنچه از دل آقا عبور می کرد، به وضوح توی بلور اشک هایشان پیدا بود. آن دل تنگی، خلوص، خضوع و تنهایی که خاص بنده خوب خدا بود. با نوای رضا رضا، همه چیز نو می شد. غبارها زدوده می شدند و هر سال عکس ها در آلبوم خاطرات حضور منور پدر امت به یادگار می ماند. هیچ کس توی آن آخرین مراسم غبارروبی که با حضور رهبر فقید

انقلاب برگزار شد، گمان نمی کرد این آخرین بار است که با آن پیراهن سفید و آرامش مثال زدنی، در محاصره نور و عطر و پاکیزگی، زیر گنبد مطهر آقای خراسان، رؤیتش می کنیم. انگار این آیین دل نشین هرگز پایانی نداشت. حالا در هیاهوی اسفند پر حادثه، درست در شب و روزهایی که هیچ کس منتظر آمدن بهار نیست، تماشای عکس های غبارروبی با حضور رهبر شهید

عکس: اساتذات